

۹۷۷۴



۹۷۷۴

به نام خدا

دانشگاه تربیت معلم تهران
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه دین و فلسفه

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث

عنوان:

نقد و بررسی آراء سید قطب در مورد آیات نازلہ در شأن ائمه (ع)

استاد راهنما:

دکتر مریم ایمانی خوشخو

استاد مشاور:

دکتر سید احمد امام زاده

نگارنده:

زینب خطی دیزآبادی

۱۳۸۷ / ۲ / ۱۴

اسفند ۱۳۸۶

۹۶۶۴

کتابخانه
ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه تربیت معلم تهران

تقدیم

این دفتر زخمه ای است از قلم

به مکم الذی علم بالقلم

تراوشی است از قامه هستی

هدیه به تمام اهل فکر و قلم

چکیده

آشنایی مفسر با علل و اسباب نزول آیات به وی این امکان را می‌دهد که پیام ژرف و تفسیر واقعی آیه را دریابد و برداشت‌های تفسیری خویش را با شرایط و زمینه‌های نزول هماهنگ سازد. تفسیر آیات با عنایت کامل به مختصات ساختاری و محتوایی آنها به منزله معیاری است که مفسر برای ارزیابی اسباب نزول و بررسی صحت و سقم احتمالی آنها از آن بهره برده است. تفسیر فی ظلال القرآن، مهم‌ترین اثر سید قطب به شمار می‌رود که بیانگر نبوغ و قدرت فکری این نابغه فرزانه می‌باشد. این تفسیر در میان تفاسیر قرآن کریم رویکردی سیاسی، اجتماعی، حماسی و تربیتی دارد و مؤلف آن به عنوان مفسری متجدد با سیاق تفسیری نوین شهرت دارد.

در این راستا سؤال اینست که آیا سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن برای اسباب نزول ارزشی قایل بوده یا خیر؟ و اگر قایل بوده دیدگاه وی در خصوص آیات نازل در شأن ائمه (ع) چگونه است؟ در این پژوهش به این پرسش‌ها پاسخ داده شده است. سید قطب به اسباب نزول در تفسیرش پرداخته، اما در خصوص ائمه اطهار (ع) کوتاهی نموده و در قبال این گونه آیات یا سکوت کرده و یا اسباب نزول معارض آن را بیان داشته است.

کلید واژه: سید قطب، سبب نزول، شأن نزول، اهل بیت (ع)، تفسیر، فی ظلال القرآن

تقدیر

حمد و سپاس پروردگاری را سزااست که ما را به وادی بیکران دانش رهنمون ساخت و درود نامحدود بر حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص) و اوصیاء مرضیین (ع).
در ابتدا لازم می دانم مراتب سپاسم را از زحمات بی دریغ استاد محترم جناب آقای دکتر امام زاده، مدیریت گروه دین و فلسفه و نیز مشاور رساله این جانب، ابراز کنم.
سپاس بیکران تقدیم بر استاد گرامیم، سرکار خانم دکتر مریم ایمانی خوشخو که راهنمایی این رساله را پذیرفتند و از ابتدا تا انتهای این پژوهش، صبورانه یاریگر و مشوق من بودند.
از داوران محترم که زحمت مطالعه این رساله را پذیرا شدند، قدردانی و تشکر می نمایم.
و نیز، بر خود لازم می دانم، از خانواده ام به ویژه از همسر گرامیم و فرزندانم که در مرارت های انجام این رساله همراه و شریک من بودند تشکر و سپاسگزاری کنم و برای آن ها در تمام مراحل زندگی، آرزوی بهروزی و سربلندی نمایم.
در پایان از همه کسانی که به نوعی در تهیه این رساله مرا یاری نمودند، به ویژه خانم حسینجانی کمال تشکر را می کنم و سلامتی و سرفرازیشان را از خداوند منان خواستارم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
یک	پیش گفتار.....
چهار	کلیات.....
پنج	تعریف مسئله و بیان اصلی تحقیق.....
پنج	سئوالات اصلی تحقیق.....
شش	سابقه و ضرورت تحقیق.....
شش	اهداف تحقیق.....
هفت	روش انجام تحقیق.....
۱	فصل اول: معرفی تفسیر فی ظلال القرآن و مفسر آن.....
۲	۱-۱ زندگی سید قطب.....
۲	۱-۱-۱ دوران کودکی.....
۳	۲-۱-۱ دوران تحصیل.....
۶	۳-۱-۱ فعالیت های سیاسی اجتماعی سید قطب.....
۹	۴-۱-۱ آثار علمی- اصلاحی.....
۹	۱-۴-۱-۱ آثار قرآنی.....
۱۰	- التصوير الفنی فی القرآن.....
۱۰	- مشاهد القیامه فی القرآن.....
۱۰	۱-۴-۲ آثار فکری- اصلاحی.....
۱۰	- العداله الاجتماعیه فی الاسلام.....
۱۱	۵-۱-۱ آثار سید قطب در زندان.....
۱۳	۶-۱-۱ سایر تألیفات سید قطب.....
۱۳	۷-۱-۱ استادان و افراد تأثیرگذار بر سید قطب.....
۱۴	۸-۱-۱ نحوه شهادت سید قطب.....
۱۸	۲-۱ معرفی فی ظلال القرآن.....

۱۸	۱-۲-۱ هدف سید قطب در نگارش تفسیر فی ظلال القرآن.....
۲۲	۲-۲-۱ تأثیر پذیری فی ظلال.....
۲۴	۳-۲-۱ تأثیرگذاری فی ظلال القرآن.....
۲۵	۴-۲-۱ روش سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن.....
۲۹	فصل دوم: رویکرد سید قطب به اسباب نزول آیات.....
۳۰	۱-۲ تعریف اسباب نزول.....
۳۱	۲-۲ فواید معرفت و شناخت اسباب نزول.....
۳۳	۳-۲ دیدگاه سید قطب در مورد اسباب نزول آیات.....
۳۴	۱-۳-۲ اسباب نزول طبق روایات تاریخی.....
۳۹	۲-۳-۲ بررسی روایات تاریخی.....
۴۱	۳-۳-۲ بیان شأن نزول طبق سیاق آیات.....
۴۱	۴-۳-۲ اشاره به مکی و مدنی بودن سوره و ترتیب نزول آن.....
۴۴	۴-۴-۲ جعل و تحریف در روایات اسباب نزول.....
۴۴	۱-۴-۲ مفهوم جعل و تحریف در اسباب نزول.....
۴۴	۲-۴-۲ معیارها و موازین تشخیص جعل و تحریف.....
۴۶	۳-۴-۲ اعتبار و وثاقت احادیث و روایات در فی ظلال القرآن.....
۴۸	۴-۴-۲ نقد روایات در فی ظلال.....
۴۹	۵-۴-۲ مواجهه با روایات مبهم و متعارض.....
۵۰	۶-۴-۲ مواجهه با اسرائیلیات.....
۵۲	۷-۴-۲ موارد جعل و تحریف در تفسیر فی ظلال القرآن.....
۵۷	۵-۲ منابع تفسیری سید قطب در فی ظلال القرآن.....
۵۸	۱-۵-۲ منابع تفسیر روایی در فی ظلال القرآن.....
۶۶	۲-۵-۲ تفسیر منقول غیر روایی.....
۷۰	فصل سوم: آیات نازلہ در شأن ائمه.....
۷۱	۱-۳ آیات نازلہ در شأن ائمه.....
۷۳	۲-۳ بررسی آیات نازلہ در شأن ائمه.....
۱۱۶	نتیجه گیری.....
۱۲۴	منابع و مآخذ.....

«... قد جاءكم من الله نور و كتاب مبين، يهدي به الله من اتبع

رضوانه سبيل السلام و يفرجهم من الظلمات الى النور باذنه

و يهديهم الى صراط مستقيم»

مآئده: ۱۵ و ۱۶

پیش گفتار

قرآن مجموعه آیات و سوره‌های نازل شده بر پیامبر (ص) است که پیش از هجرت و پس از آن در طی بیست و سه سال نازل شده است.

نزول قرآن تدریجی، آیه آیه و سوره سوره، بوده و تا آخرین سال حیات پیامبر (ص) ادامه داشته است. در دوران حیات پیامبر (ص) هرگاه پیشامدی رخ می‌داد یا مسلمانان با مشکلی روبه رو می‌شدند، در ارتباط با آن پیشامد یا برای رفع آن مشکل، احیاناً پاسخ به سوال‌های مطرح شده، مجموعه‌ای از آیات یا سوره نازل می‌شد. این مناسبت‌ها و پیشامدها را اصطلاحاً اسباب نزول یا شأن نزول می‌نامند که دانستن آنها برای فهم دقیق بسیاری از آیات ضروری است. این نزول پراکنده، قرآن را از دیگر کتب آسمانی جدا می‌سازد. زیرا صحف ابراهیم و الواح موسی یکجا نازل شد و همین امر موجب عیب جویی مشرکان گردید: **«وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً»** (و کسانی که کافر شدند، گفتند: چرا قرآن یکجا بر او نازل نشده است؟) این گونه (ما آن را به تدریج نازل کردیم) تا قلبت را به وسیله آن استوار گردانیم، و آن را به آرامی (بر تو) خواندیم؟! کسانی که کفر ورزیده‌اند گفتند: چرا قرآن یکجا بر او نازل نگردیده؟... در جواب آنان آمد: **«كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً»** این بدان خاطر است که قلب تو را به وسیله آن استوار گردانیم و از این رو آن را به تدریج بر تو خواندیم. در جای دیگر می‌گوید: **«وَ قَرَأْنَا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَ نَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا»** (و قرآنی (با عظمت را) بخش بخش (بر تو) نازل کردیم تا آن را به آرامی به مردم بخوانی، و آن را به تدریج نازل کردیم).

1 . فرقان: ۳۲

2 . اسراء: ۱۰۶.

به طوری که از قرآن استنباط می‌شود، حکمت تدریجی نزول قرآن این است که پیامبر (ص) و مسلمانان احساس کنند همواره مورد عنایت خاص پروردگار قرار دارند و پیوسته رابطه آنان با حق تعالی استوار است و این تداوم نزول اسباب دلگرمی و تثبیت آنان را فراهم می‌سازد.

با این مقدمه روشن می‌گردد که شأن نزول آیات بسیار مهم است. انتقال و توضیح شرایط نزول قرآن بسیار مهم است، زیرا بی‌گمان فرهنگ اجتماعی و رفتاری جوامع در این چهارده قرن دستخوش تطور و تحول بوده و هر روز که می‌گذرد فاصله زمانی بیشتر می‌شود و در نتیجه درک شرایط نزول قرآن دشوارتر می‌گردد، این تفاوت‌ها ممکن است جنبه‌های مختلفی داشته باشد و هر روز جنبه‌ای از آن دستخوش تحول گردد. از این رو مفسر با درک تفاوت شرایط تاریخی عصر نزول و عصر تألیف، تفسیر به بررسی شرایط اجتماعی، فرهنگی مردم آن دوران می‌پردازد تا روشن کند که علت نزول این آیات چه بوده، مردم آن عصر چگونه فکر می‌کردند، و درگیر چه مسائلی بودند که قرآن بسیاری از مسائل را این چنین پاسخ داده است. باید افزود که اطلاعات علمی مفسر در فهم او از قرآن و روش تفسیری‌اش تأثیر بسزایی دارد. واقعیت‌های خارجی نیز البته این معنا را تأیید می‌کند. مفسرینی که آگاهی‌های آنان از زمان خود بیشتر بوده، طبعاً احاطه بیشتری به مباحث قرآنی داشته و دریافت‌های آنان عمیق‌تر بوده است. به همین دلیل می‌توان گفت اطلاعات علمی مفسر، می‌تواند نوع برداشت او را از یک آیه موسع یا مضیق کند. همچنین معانی و عبارات را دستکاری و جابجا کند و نظریاتی را ارائه دهد که قطعاً مسبوق به دانستنی‌های وی است. از میان دانشمندان سید قطب را انتخاب نمودیم، زیرا شخصیتی مهم در میان اهل سنت و از مفسرین متجدد، روشنفکر، مشهور و پرآوازه است. سید قطب یک رجل سیاسی موفق است که آثار سیاسی، ادبی، حماسی بسیاری از خود به یادگار گذارده است. او برای موفقیت در اهداف و آرمان‌هایش به قرآن پناه برده و از آن راهکار جسته و موفقیت بسیاری نیز کسب کرده و در این راه به شهادت رسید. رویکرد سیاسی سید قطب به تفسیر قرآن قرین موفقیت بود. در این رساله به زندگی سیاسی سید قطب پرداخته می‌شود تا بهتر به انگیزه او در نگارش تفسیر *فی ظلال القرآن* پی برده شود. سید قطب اهمیت زیادی برای سبب نزول آیات قائل است و حدوداً به صدوسه مورد از شأن نزول آیات در تفسیر *فی ظلال القرآن* اشاره کرده است، در این رساله دیدگاه سید قطب را ذیل آیات نازله در شأن ائمه آورده‌ایم تا ببینیم در خصوص این گونه آیات چه قضاوتی دارد. به لحاظ این که این گونه آیات در شأن ائمه بسیار زیاد است و این رساله گنجایش آن را ندارد، پاره‌ای از این آیات را در نظر گرفتیم و مورد بررسی قرار دادیم. مهم‌ترین شأن نزول‌ها، آنهایی است که جایگاه تاریخی دارد و عملی از اهل بیت رسول خدا (ع) سرزده و بلافاصله پس از آن آیه، یا آیاتی نازل گشته است.

کلیات

تعریف مسئله و بیان اصلی تحقیق

مسئله شأن نزول آیات به عنوان یک متغیر از جایگاه خاصی برخوردار است و مفسر توانا در کسی است که آشنایی بیشتری با اسباب نزول داشته باشد. کیفیت استفاده از روایات و معیارهای گزینش آنها همراه با ذوق، استعداد و قدرت علمی محقق، عناصری است که سبک و روش هر مفسر را مشخص می‌سازد به این صورت که گاه مفسر به اصل معیارها و مبانی علمی خود اشاره کرده است و گاهی بدون تصریح به مبانی و روش، راه خود را می‌رود و روش او نیز در آن میان طبعاً هویدا می‌گردد.

بعضی از مفسرین به نقل از ابن عباس آورده‌اند که وی، در حدود سیصد آیه را در شأن ائمه (ع) می‌داند^۳ اما وقتی به کنکاش می‌پردازیم، حدود صدواندی آیه می‌یابیم. این آیات در کتب مختلفی جمع آوری شده‌اند مانند *المراجعات*، *تفسیر عیاشی*، *غایه المرام*، *اهل بیت فی القرآن* و... گروهی از دانشمندان شیعه و سنی درصدد جمع‌آوری آیات نازله در شأن اهل بیت (ع) برآمده و کتاب‌ها و رساله‌هایی نیز در این زمینه تألیف کرده‌اند. سیداحمدحسینی اشکوری در مقدمه چاپ اول رساله *ما نزل من القرآن فی اهل بیت (ع)* تألیف حسین بن حکم حبری، نام چهل و چهار اثر از این قبیل تألیفات را ذکر کرده است و سیدمحمد رضا حسینی جلالی در مقدمه چاپ دوم همان رساله که به نام *تفسیر الحبری* چاپ شده، با تهذیب و تکمیل نوشته اشکوری، نام شصت و پنج کتاب را ذکر نموده است. در این پژوهش به سبک سید قطب در تفسیر قرآن پرداخته، میزان بهره‌گیری وی را از روایاتی که بیانگر آیات نازله در شأن اهل بیت (ع) می‌باشد نقد و بررسی می‌نمایم.

سئوالات اصلی تحقیق

۱. آیا شأن نزول آیات در فهم مراد خداوند دخیل است؟
۲. روش تفسیری سیدقطب چگونه است؟
۳. دیدگاه سیدقطب در مورد آیات نازله در شأن اهل بیت (ع) چیست؟

^۳ قندوزی حنفی، *ینایع الموده لدوی القریبی*، چاپ اول، ۱۳۷۷ق، چاپ اسلامبول، ص ۱۲۶-۲۸۶.

سابقه و ضرورت تحقیق

در مورد سیدقطب و آثار او تحقیقات گسترده و قابل توجهی انجام شده است. اما در زمینه دیدگاه او در خصوص آیات نازله در شأن ائمه (ع) تاکنون کاری صورت نگرفته است. تنها سه پایان نامه یافت شد که تا حدودی شخصیت و روش تفسیری او را بررسی نموده‌اند. ذیلاً به آنها اشاره می‌شود:

۱. دیدگاه‌ها و ابعاد شخصیت سیدقطب نوشته جلال موسوی امین دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد

این رساله در اختیار این جانب به دلیل دوری مسافت قرار نگرفت و از محتوای آن آگاه نشدم.

۲. تحلیل انتقادی مبانی و روش تفسیری سیدقطب در فی ظلال القرآن نوشته کرم سیاوشی دانشجوی دکتری علوم قرآنی، دانشگاه تربیت مدرس.

در این تحقیق ابتدا به زندگی سیدقطب پرداخته شده و سپس روش تفسیری او مورد بررسی قرار گرفته و انتقادهایی نیز به سید قطب در ارتباط با تفسیرش شده است. این رساله روش تفسیری سیدقطب، دیدگاه و مبانی فکری او را در خصوص اسباب نزول مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در پایان نامه آقای سیاوشی به مواردی از اسباب نزول نیز اشاره شده اما به آیات نازله در شأن ائمه (ع) پرداخته نشده است.

مبانی و روش تفسیری سیدقطب در فی ظلال القرآن نوشته علیرضا عبدالرحیمی دانشجوی دکتری دانشگاه امام صادق (ع).

روش این پایان نامه وصفی-تحلیلی است و می‌کوشد مبانی سیدقطب در تفسیر قرآن را بیان کرده و نشان دهد که این مبانی تا چه اندازه در فی ظلال اثرگذار بوده‌اند. همچنین بسیار کوتاه و گذرا به بیان روش تفسیری او نیز می‌پردازد. لکن به آیات نازله در شأن ائمه نپرداخته است.

اهداف تحقیق

هدف این تحقیق نگاهی به تفسیر سیدقطب و بررسی دیدگاه او در مورد آیات نازله در شأن ائمه است. سیدقطب از مفسران روشنفکر و درخور توجه اهل سنت می‌باشد و در میان مستشرقین جایگاه ویژه‌ای دارد. شأن نزول آیات، در علم تفسیر از جایگاه والایی برخوردار است، به همین لحاظ برای روشن نمودن روش تفسیری سیدقطب به بررسی دیدگاه او در خصوص اسباب نزول می‌پردازیم. در این رساله به این مبحث اهمیت فوق العاده‌ای داده شده و به لحاظ اینکه اهل بیت در بین شیعه و بسیاری از مفسران اهل سنت جایگاه ویژه‌ای دارند، رویکرد این رساله نقد و بررسی آراء سید قطب ذیل این آیات می‌باشد.

روش انجام تحقیق

روش انجام این تحقیق کتابخانه‌ای بوده و منابع متعددی مورد بررسی قرار گرفته است: از جمله اینکه به بیشتر آثار سیدقطب رجوع شد، هم‌چنین کتبی که در زمینه سیدقطب و آثار او نوشته شده، مورد مطالعه قرار گرفت. تفسیر فی ظلال القرآن نیز به طور کامل مورد تفحص قرار گرفت. با مراجعه به آیات نازل، در شأن اهل بیت(ع)، تعدادی از آیات را انتخاب و بررسی نمودم. لازم به ذکر است که انتخاب آیات بدون مراجعه اولیه به تفسیر سیدقطب است. از این رو می‌توان گفت این تعداد به خوبی می‌تواند نمونه‌هایی از طرز برخورد سیدقطب با اهل بیت رسالت علیهم السلام و فضائل آنان باشد.

ممکن است محتوای برخی از روایات که نازل شدن آیاتی را درباره اهل بیت علیهم السلام اثبات می‌کند به گونه‌ای باشد که با ظاهر آن آیه هماهنگی کامل نداشته باشد، به همین دلیل آیات و روایاتی را انتخاب نمودم که به خوبی با هم هماهنگ باشند و نزول این آیات در مورد اهل بیت(ع) یا تطبیق و تفسیر آنها به اهل بیت(ع)، مستلزم آن نیست که آیه را برخلاف ظاهرش حمل کنیم یا معنایی را بر آیه تحمیل نماییم، بلکه بدون هیچ گونه تکلفی می‌توان اهل بیت(ع) را مصداق کامل این آیات و احیاناً سبب نزول برخی از آنها دانست.

پس از ذکر هر آیه و ترجمه فارسی آن و اشاره به روایت یا روایاتی که نزول آن آیه را درباره اهل بیت(ع) اثبات می‌کند به همراه ذکر منابع آنها، به تفسیر سیدقطب در ذیل همان آیه مراجعه نمودم تا از نحوه فهم مفسر در آن موارد مطلع شوم.

روایاتی که در این پایان نامه به آنها اشاره می‌شود همگی از منابع اهل تسنن است. اگر کسی بخواهد این روایات را در منابع شیعه ببیند می‌تواند به تفسیر البرهان تألیف سیدهاشم بحرانی و نیز تفسیر نورالثقلین تألیف علامه حویزی مراجعه کند.

ممکن است گفته شود ذکر روایات در ذیل آیات، مختص به تفسیرهای روایی است و در غیر تفسیرهای روایی عدم ذکر روایات در ذیل آیه نمی‌تواند مورد اعتراض قرار گیرد، در پاسخ باید گفت با مراجعه به تفسیر سید قطب روشن می‌شود که در این کتاب ذکر روایت بسیار مورد عنایت بوده است.

فصل اول

معرفی تفسیر فی ظلال القرآن و مفسر آن

۱-۱ زندگی سیدقطب

۱-۱-۱ دوران کودکی

سیدقطب ابراهیم حسین شاذلی در تاریخ ۱۹۰۶/۱۰/۹ در قریه موشه یکی از روستاهای مرزی که به روستای عبدالفتاح نیز معروف است^۱ از توابع استان اسیوط مصر متولد شد. سیدقطب را اصالتاً هندی دانسته اند؛ زیرا گفته شده که جد ششم وی به نام الفقیر عبدالله برای ادای مراسم حج، از هند عازم مکه گردیده است؛ اما پس از انجام اعمال و مناسک حج، از آنجا روانه مصر می‌شود و ظاهراً در محلی که از آن با نام موشه یاد می‌کنند، سکنی می‌گزیند و به سبب سرسبزی و حاصلخیزی آن منطقه، برای همیشه در آن دیار رحل اقامت می‌افکند و به زادگاه خویش باز نمی‌گردد.^۲ در هندی بودن یا مصری بودن سیدقطب، اختلاف نظر است گرچه اکثریت اصالت هندی برای او قایل هستند، اما برادر تنی او محمد، این مطلب را صحت نداشتته است.^۳ سیدقطب یک برادر تنی به نام محمد داشت که از او کوچکتر بود و یک برادر ناتنی نیز داشت که از او بزرگتر بود. و سه خواهر به نام حمیده و امینه و نفیسه داشت. دوران طفولیت و ابتدایی را در همان روستا گذراند و در کنار آن از پدرش قرآن و آداب دینی آموخت، پدرش حاج قطب ابراهیم سر سلسله خاندان قطب بود که پس از وفات پدرش ریاست این خاندان را به عهده داشت. از خصوصیات بارز حاج قطب ابراهیم این بود که بسیار انفاق می‌کرد. بخشش وی به قدری بود که وقتی دارایی اش تمام شد، زمین‌های کشاورزی را یکی پس از دیگری فروخت تا این که مجبور شد منزل بزرگ و زیبایش را نیز بفروشد. از عادات هر ساله او این بود که روزهای عید سعید فطر، قربان، عاشورا، نیمه شعبان، سالروز معراج پیامبر (ص) و ماه مبارک رمضان، همه ساله اهالی روستا را برای تلاوت قرآن در منزل خود جمع می‌کرد و پس از مراسم دوره خوانی قرآن، بهترین طعام‌ها را به مهمانان می‌داد. مادر سیدقطب، زنی پاکدامن و از خاندانی بلند مرتبه بود و قبل از ازدواج با حاج ابراهیم در قاهره زندگی می‌کرد. از خصوصیات مادرش این بود که استماع قرآن را دوست داشت و پسرش سیدقطب را به این نیت به مدرسه فرستاد تا قرآن بیاموزد و برای مادر تلاوت کند.

۱. خالدی، صلاح عبد الفتاح، سیدقطب من المیلاد الی الاستشهاد، دار القلم دمشق، ص ۲۵

۲. ندوی، سید ابوالحسن، مذکرات سائح فی الشرق العربی، ضبط و تعلیق: سید عبدالماجد الغوری، چاپ اول، ۱۴۲۲هـ. دار ابن کثیر، بیروت، ص ۱۰۰.

۳. خالدی، سیدقطب من المیلاد الی الاستشهاد، ص ۲۹.

برادرش محمد قطب در سال ۱۹۱۹ چشم به جهان گشود. او به دلیل مبارزات سیاسی و دوران حبس، در پنجاه سالگی ازدواج کرد و هم اکنون در عربستان به سر می‌برد و به کار تحقیق و تألیف اشتغال دارد.^۱

۱-۱-۲ دوران تحصیل

پس از گذراندن دوران کودکی، پدر و مادر سیدقطب تصمیم گرفتند او را به مدرسه بفرستند؛ ولی او تمایلی به مدرسه رفتن نداشت، اما با تشویق پدر و مادر در سال ۱۹۱۲ به مدرسه رفت. بعضی از اهالی روستا درباره مدارس دولتی حس بدی داشتند و آن را مخالف قرآن آموزی می‌دانستند.

وقتی سید در سال دوم ابتدایی مشغول تحصیل بود، صاحب مکتب‌خانه که با حاجی ابراهیم رابطه خوبی داشت، از او خواهش کرد فرزندش را از مدرسه به مکتب‌خانه انتقال دهد تا قرآن را حفظ کند و مسائل اسلامی را فراگیرد. پس از آن سید به توصیه پدر به مکتب رفت. سید تصمیم گرفت هم درس بخواند و هم قرآن حفظ کند. بنابراین در سال دوم ابتدایی حفظ قرآن را شروع کرد و در سال چهارم ابتدایی یعنی در ده سالگی حافظ کل قرآن شد. در تفسیر فی ظلال نیز به این مطلب تصریح شده است هنوز بیش از ده سال از عمر وی نگذشته بود که همه قرآن را حفظ کرد.^۲

وی به کتاب و کتاب‌خوانی علاقه بسیار داشت، به طوری که بین مردم روستا به این صفت مشهور شده بود. پس از مدتی با خرید کتاب‌هایی که هر هفته کتاب فروش محله به نام عمو صالح، به روستا می‌آورد، کتاب‌خانه شخصی کوچکی شامل ۲۵ جلد کتاب فراهم کرد که این کتاب‌خانه کوچک، یگانه کتاب‌خانه روستای موشه بود. وی در کنار آموزش‌های قرآنی توانست پس از شش سال در سال ۱۹۱۸ دوره ابتدایی کلاسیک را نیز با کامیابی به انجام برساند. و پس از این دوره، وی در جلسات هفتگی پدرش که پیرامون اوضاع اجتماعی و سیاسی مصر برگزار می‌شد حضور مستمر می‌یافت در حالی که سیزده سال بیشتر نداشت.

سیدقطب به مدت دو سال نتوانست به سبب اوضاع آشفته داخلی به تحصیلات خود ادامه دهد؛ اما در سال ۱۹۲۰ برای ادامه تحصیل به قاهره سفر کرد و نزد دایی‌اش احمدحسین عثمان اقامت گزید دایی‌اش او را به حزب وفد معرفی کرد و او خدمت عباس محمود العقاد رسید.^۳

آشنایی سیدقطب با محمود العقاد بسیار مفید و راه گشا بود، زیرا توانست از کتاب‌خانه غنی عقاد استفاده شایانی ببرد: سهولت ارتباط با نشریات و مجلات و ورود به میدان‌های ادبی و به ویژه نقد ادبی مهم‌ترین دستاورد این آشنایی است. از سوی دیگر به نظر می‌رسد این آشنایی

^۱ . همان.

^۲ . سیدقطب، *فی ظلال القرآن*، چاپ اول، ۱۴۰۱ق، دارالشروق، ج ۱، ص ۱ - خالدی، *سیدقطب من المیلاد الی الاستشهاد*، ص ۶۰-۵۹.

^۳ . سیدقطب، *فی ظلال القرآن*، ج ۱، ص ۱.

سبب فتوری در گرایش‌های ایمانی، مذهبی و اصلاحی سیدقطب شد. چنانکه انتقاد سید از رافعی به سبب حمایت وی از مکتب ادبی استاد خود، عقاد صورت می‌گرفت! در هر صورت شیفتگی سیدقطب به عقاد به مرتبه‌ای رسید که وی عقاد را بزرگ‌ترین شاعر و فیلسوف جهان می‌دانست.^۱

اما در ادامه با مانوس شدن مجدد سید با قرآن، میان او و عقاد جدایی افتاد، به نحوی که و هر چه رابطه سید با قرآن بیشتر می‌شد بر فاصله وی با عقاد افزوده می‌شد، تا آنجا که سیدقطب بیشتر سرودهای عقاد و مکتب او را اشعاری فکری و ذهنی می‌دانست که از جنبه عاطفی و آهنگین تهی است! سید با اشاره به کتاب *اغانی شیراز*^۲ و مقایسه آن با شعر عقاد و مکتب ادبی وی، شعر عربی را دست به گریبان بحرانی می‌داند که مانع از شکل‌گیری اشعاری مانند غزلیات حافظ شیرازی شده است؛^۳

او به هنگام ملاقات با سید ابوالحسن نودوی، در سال ۱۹۵۱م از ضعف جنبه روحی مکتب عقاد و ذهن‌گرایی محض آن و از اشتیاق خود به روح، امور معنوی، مطالعه سرگذشت پارسایان و عاطفه‌گرایی پرده برمی‌دارد. سیدقطب دلیل دیگر خود را برای جدایی از عقاد، ضعف او در برابر فشارهای سیاسی - با وجود برخورداری از شخصیتی بزرگ و موجه - معرفی می‌کند.^۴ سیدقطب حدود شانزده سالگی وارد دانشسرای عبدالعزیز قاهره شد. او بعد از اتمام دوره دانشسرا و دریافت گواهی نامه تدریس در مدارس ابتدایی به استخدام وزارت تعلیم و تربیت درآمد. زمانی که دانشجوی دانشگاه دارالعلوم بود، ریاست دانشگاه را طه حسین به عهده داشت. در سال سوم دوره دانشجویی، کنفرانسی به وسیله ریاست دانشگاه ترتیب داده شد تا سید در آن سخنرانی کند. او با مقاله‌ای تحت عنوان *مهمه الشاعر فی الحیاه، شعر الجیل الحاضر همگان را به شگفتی واداشت*.^۵

خالدی در *سیدقطب من المیلاد الی الاستشهاد* می‌گوید: «ابتدا به مدرسه دارالمعلمین اولیه رفت و در سال ۱۹۲۹م وارد دانشگاه دارالعلوم در رشته زبان و ادبیات عربی شد و در سال ۱۹۳۳ از آنجا فارغ التحصیل شد. به هنگام تحصیل در قاهره، پدرش وفات یافت و مسئولیت خانواده متوجه او گردید. وی و به ناچار اعضای خانواده را به قاهره منتقل کرد و در سال ۱۹۴۰ مرگ ناگهانی مادر، او را دچار غم و اندوه سختی کرد، تا آنجا که خود را در زندگی تنها و غریب

۱. رسول نژاد، عبدالله، *سیدقطب و اشعار*، چاپ اول، ۱۳۷۹ش، نشر احسان، تهران، ص ۱۳۹.

۲. سیدقطب در تفسیر *فی ظلال القرآن* نظرات عقاد را پیرامون اسلام، ایمان و قرآن، ناصواب دانسته، آنها را به نقد می‌کشد

و اصلاح می‌نماید به عنوان نمونه، ر. ک: سیدقطب، *فی ظلال القرآن*، ج ۴، ص ۱۸۸۲ - ۱۸۸۵.

۳. منظور غزلیات حافظ شیرازی است.

۴. سیدقطب، کتب و شخصیات، به نقل از: محمد علی آذرشب، ۱۴۱۹ه، ص ۶۹ - مهدی فضل‌الله، *مع سیدقطب فی فکره*

السیاسی و الدینی، چاپ دوم، ۱۹۷۹م، بیروت، الرسالة، ص ۴۸.

۵. ندوی، *مذکرات سائح فی الشرق العربی*، ص ۱۰۹.

۶. خالدی، *سیدقطب من المیلاد الی الاستشهاد*، ص ۷۳.

می‌دید. بعد از اخذ لیسانس در سمت بازرسی وزارت آموزش و پرورش به کار اشتغال ورزید، ولی چیزی نگذشت که از این سمت استعفاء نمود و همه توان خود را صرف پژوهش و نگارش کرد و پس از مدت کوتاهی در ردیف نویسندگان سرشناس مصر از جمله طه حسین و عباس محمود عقاد و مصطفی صادق رافعی جای گرفت و مقالات و قصاید اجتماعی و دینی وی زینت بخش در مجلات معتبری همچون *الرساله، المقتطف، اللواء الجديد، الدعوه، الصرخه، مصر الفتاه و المسلمون و الاشتراکيه و مشاهد التیامه فی القرآن* به چاپ می‌رسید.^۱

وی در زمان دانشجویی بسیار با نشاط و آگاه بود و با شجاعت تمام از اوضاع علمی و فرهنگی دانشگاه انتقاد می‌کرد. با وجود این که هنوز خیلی جوان بود، از بحث با استادان در زمینه‌های علمی، اقتصادی و اجتماعی هراسی نداشت. استادان دانشگاه نیز از تلاش و پشتکار سید متعجب و در عین حال خوشحال بودند.

به گفته استادش، محمد مهدی علّام، جرأت و استقلال سید باعث شده بود تا محبوب دل‌ها و از مفاخر دارالعلوم باشد. سید در سال ۱۹۳۲ با مدرک لیسانس در رشته ادبیات عرب، از دانشکده دارالعلوم فارغ التحصیل شد و همان سال در تشکیل جماعتی به نام جماعت دارالعلوم شرکت کرد. هدف این جمعیت که از بین فارغ التحصیلان دارالعلوم انتخاب می‌شدند، دفاع از ادب و لغت عربی بود. این جماعت پس از مدتی مجله‌ای به نام دارالعلوم منتشر کرد. سیدقطب در سال ۱۹۳۳ به استخدام وزارت تعلیم و تربیت مصر درآمد و همان سال در مدرسه داودیه مصر در جایگاه معلم ابتدایی تدریس می‌کرد. او سپس در مدارس دمیاط، بنی سویف و مدرسه ابتدایی حلوان به تدریس مشغول بود تا این که پس از شش سال تدریس در مدارس گوناگون، در تاریخ ۱۹۴۰ در جایگاه کارمند، به اداره مرکزی وزارت تعلیم و تربیت مصر انتقال یافت و به ترتیب در بخش‌های روابط عمومی، آمار و بازرسی مدارس ابتدایی مشغول فعالیت شد. در سال ۱۹۴۵ دوباره به بخش روابط عمومی برگشت و تا سال ۱۹۴۸ در این قسمت مشغول به کار بود.^۲

۱-۱-۳ فعالیت‌های سیاسی اجتماعی سیدقطب

سیدقطب از سنین جوانی در مطبوعات مصر مقاله می‌نوشت و به روزنامه نگاری علاقه وافری داشت. نخستین مقاله وی در شانزده سالگی در مجله صحیفه البلاغ در سال ۱۹۲۲ چاپ شد. وی ابتدا با نشریات معروفی چون البلاغ، البلاغ الاسبوعی، الجهاد، الاهرام^۳ و غیره همکاری می‌کرد و مرتب برای نشریات مقاله می‌نوشت.

سیدقطب در چهل سالگی همزمان با آغاز تفکر درباره حرکت اسلامی و انقلابی با نشریاتی چون *الکتاب المصری، الکتاب السوادی، الشؤون الاجتماعیه* و... همکاری داشت. وی

^۱ . همان، ص ۷۴.

^۲ . همان، ص ۷۵.

^۳ . همان، ص ۹۸.

پس از چند سال در مجله اللواء الجديد به سرپرستی شاخه جوانان حزب وطنی مصر، مقاله نوشت؛ اما این مجله پس از اندک زمانی به علت انتقاد شدید سید از استعمار و اتهام همکاری دولت با آنان تعطیل شد.

او پس از تعطیلی این مجله دست از مبارزه نکشید و در جایگاه سردبیر و نویسنده مجله الدعوه کار خود را ادامه داد. مقالات وی در این نشریه، دعوت از مردم برای انقلاب، تشکیل حکومت اسلامی و تغییر حاکمیت بود؛ اما رژیم مصر این مجله را نیز پس از مدتی تعطیل کرد. سید باز هم ناامید نشد و با همکاری یوسف شماته، نشریه‌ای به نام العالم العربی منتشر ساخت.^۱ یوسف شماته در جایگاه مدیر مسئول و سیدقطب در مقام سردبیر مشغول فعالیت شدند.

سید در نشریه العالم العربی بر خلاف همه نشریات مصری که تاریخ روز را به میلادی درج می‌کردند، براساس تاریخ هجری قمری می‌نوشت. وی همچنین در سال ۱۹۸۴م با همکاری جمعیت اخوان المسلمین، مجله الفكر الجديد را تأسیس کرد و در این مجله نیز طرفداری از اصلاحات و تغییر حاکمیت موجود را جزء اهداف خود قرار داد. مقالات سیدقطب در این مجله از تندترین و در عین حال قوی‌ترین مقالات به شمار می‌رود. با ادامه موضع انقلابی در مقاله سید، این نشریه هم تعطیل شد.

در سال ۱۹۴۵م جمعیت اخوان المسلمین مجله‌ای به نام اخوان المسلمین چاپ کرد و سیدقطب را به عنوان رئیس هیأت تحریریه آن برگزید. این هفته‌نامه در ۱۷ خرداد ۱۳۷۳ قمری به سر این هفته‌نامه افکار اسلامی و انقلابی خود را بیش از گذشته منتشر کرد؛ از این رو پس از چاپ دوازده شماره در تاریخ ۶ ذی الحجه ۱۳۷۳ از انتشار آن جلوگیری شد و این واپسین فعالیت مطبوعاتی سیدقطب به شمار می‌رود؛ زیرا در همین سال دستگیر و روانه زندان شد.

سیدقطب در طول حیات ۲۵ ساله مطبوعاتی خود، ۴۵۵ مقاله و قصیده در مجلات و روزنامه‌های گوناگون مصر چاپ کرد. وی نیمی از زندگی خود را با نشریات مختلف سپری کرد. او در این مدت پی برد که رفتار و عملکرد بعضی از مطبوعات مشکوک است و از چاپ مقالات وی خودداری می‌کنند لذا دریافت که بعضی از آن‌ها با بیگانگان در ارتباطند؛ به همین سبب مقاله‌ای تحت عنوان الدوله تخفق الادب ضد این دسته از نشریات نگاشت و آن‌ها را رسوا کرد.^۲ سید در با حزب وفد تا سال ۱۹۴۲ همکاری کرد و در تعامل با آنان، روزنامه‌ها و صحف و مجلات نوشت و نیز قصاید متعددی منتشر کرد. وی پس از ده سال فهمید که این گروه در گمراهی به سر می‌برند. لذا پس از سال ۱۹۵۱م به بعد به جمعیت اخوان المسلمین که حسن‌البتا، آن را بنیان‌گذاری کرده بود پیوست و فعالانه در پیشبرد اهداف آن به تلاش پرداخت و به ریاست شورای نویسندگان روزنامه ارگان رسمی جمعیت تعیین گردید. او در این مسیر به نوشتن کتاب‌های فراوانی همت گماشت و تا آخر عمر با این گروه باقی ماند.

۱. همان، ص ۱۰۳.

۲. همان، ص ۱۱۱.

مهم ترین دوران مبارزه سیدقطب به زمانی مربوط می شود که به جمعیت اخوان المسلمین پیوست. جمعیت اخوان المسلمین یکی از گروه های مبارز در سال های ۱۹۳۰ تا ۱۹۶۰م بود که در بیشتر کشورهای عربی فعالیت می کرد و مقر اصلی آن در مصر قرار داشت. جمعیت را حسن البنا در شهر اسماعیلیه در ذی القعدة سال ۱۳۴۷ پایه گذاشت و فعالیت خود را در مدرسه التهذیب با تعلیم قرآن، تجوید، حدیث، تفسیر و دیگر علوم اسلامی، آغاز کرد.

حسن البنا در سال ۱۳۵۰ق رساله ای دربردارنده اهداف جمعیت اخوان المسلمین منتشر کرد و به عنوان دبیرکل جمعیت برگزیده شد. هنگام جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸م جمعیت اخوان المسلمین به یاری ملت فلسطین شتافت و بسیاری از اعضای آن در این جنگ شرکت کردند. پس از این وقایع، محبوبیت اخوان المسلمین بین مسلمانان افزایش یافت. در نتیجه حکومت مصر و حامی خارجی آن یعنی انگلیس به فکر مهار و سرکوب این جریان افتادند. از این رو از سوی ملک فاروق در سال ۱۳۶۸ق فرمان انحلال جمعیت صادر شد. به تلافی این فرمان، جمعیت اخوان المسلمین نخست وزیر مصر (نقراشی پاشا) را کشتند و حکومت وقت نیز دبیرکل این جمعیت یعنی حسن البنا را در سال ۱۳۶۹ ق ترور کرد.^۱

در زمان ترور حسن البنا سیدقطب در امریکا به سر می برد. او می دید که نشریات امریکایی به شدت از کشته شدن حسن البنا ابراز خوشحالی می کنند؛ بنابراین همان جا تصمیم گرفت پس از بازگشت از امریکا در سال ۱۹۵۱م به طور رسمی به اخوان المسلمین بپیوندد. وی چنان به این گروه علاقه داشت که همیشه می گفت: من در سال ۱۹۵۱م متولد شدم.^۲

سیدقطب پس از عضویت در جمعیت اخوان المسلمین، ابتدا عضو مکتب ارشاد و سپس در جایگاه رئیس هیأت تحریریه نشریه اخوان المسلمین منصوب شد. مقالات تند و صریح او در این نشریه و روزنامه های دیگر، سبب شد تا وی در سال ۱۹۵۴ به همراه حسن الهضیبی^۳ دستگیر و به پانزده سال زندان محکوم شود. پس از صدور حکم، وی را به زندان قدیم لیمان طره که قدمتی پانصد ساله دارد، منتقل کردند. وی در زندان به نوشتن کتاب ادامه داد و تفسیر *فی ظلال القرآن* را در زندان نگاشت. پس از پنج سال محکومیت، سید در زندان بیمار شد و بیم مرگ وی می رفت؛ از این رو مسئولان اخوان المسلمین مصر با دبیر این جمعیت در عراق به نام امجدزهاوی تماس گرفتند و به او توصیه کردند عبدالسلام عارف، رئیس جمهور وقت عراق را واسطه قرار دهد که جمال عبدالناصر را قانع کند تا سید از زندان آزاد شود. عبدالسلام عارف پیغام فرستاد و به واسطه این پیغام، سیدقطب در سال ۱۹۶۴م از زندان آزاد شد.

پس از آزادی از زندان بر سر ادامه کار جمعیت، اختلاف نظر حاصل شد. عبدالفتاح اسماعیل، عضو ارشد این جمعیت و هم فکرائش بر این عقیده بودند که باید جهاد را ادامه داد؛

۱. همان، ص ۱۳۰.

۲. کیپل، ژیل، پیامبر و فرعون جنبش های نوین اسلامی (در مصر)، ترجمه حمید احمدی، چاپ سوم، ۱۳۸۲ش، انتشارات کیهان، تهران، ص ۳۹.

۳. دبیرکل جمعیت اخوان المسلمین بعد از حسن البنا.